

تداوم و تحول در
تاریخ میانه ایران

آن لمبتن

ترجمه
دکتر یعقوب آژند



فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	سیاسگزاری
۵	فهرست اختصارات
۷	مدخل: زمینه تاریخی
۳۷	فصل اوّل: وزارت
۷۹	فصل دوّم: حقوق و تشکیلات آن
۱۰۹	فصل سوّم: اقطاع؛ اراضی دیوانی و اراضی خالصه
۱۴۳	فصل چهارم: مالکیت خصوصی (ملک) و تشکیلات آن؛ ادرارات و اوقاف
۱۷۳	فصل پنجم: کشاورزی و آبیاری؛ مضافات شهرها
۲۰۳	فصل ششم: دیوان مالیات؛ خراج، زوائد و موسومات
۲۴۱	فصل هفتم: ساخت جامعه؛ (۱) عناصر تحول: خاندان حاکمه و «اهل شمشیر»
۲۸۱	فصل هشتم: ساخت جامعه؛ (۲) زنان خاندان حاکمه
۳۲۳	فصل نهم: ساخت جامعه؛ (۳) عوامل تداوم: «اهل قلم»
۳۵۵	فصل دهم: ساخت جامعه؛ (۴) «اهل معامله»
۳۷۵	چکیده کلام
۳۸۱	واژه‌نامه
۴۰۵	گزینه منابع
۴۱۵	یادداشتی بر نمودارها
۴۲۵	یادداشتی بر نقشه‌ها
۴۳۳	کتابشناسی
۴۳۳	فهرست راهنما

مدخل: زمینه تاریخی

اهمیت نسبی تداوم و تحول در تاریخ ایران، در زمانها و مکانهای مختلف و نیز در زمینه فعالیتهای گوناگون، فرق می‌کند. در چارچوب و زمینه سیاسی، تهاجمات و تغییر و تحولات حاکمیت، این تداوم را به هم ریخته و قطع می‌نمود. در زمینه امور دیوانی و اداری، بالعکس، این تداوم یکی از ویژگیهای چشمگیر بود که شکافهای سیاسی را پر می‌کرد. تحول در امور و زمینه اقتصادی رابطه تنگاتنگ با وقایع سیاسی داشت، اما آن هم تحت الشعاع عوامل دیگری نیز قرار می‌گرفت؛ این تحول و دگرگونی در زمینه‌های مذهبی و اجتماعی آرام و تدریجی بود، تا آنجا که دشوار است تاریخ دقیقی برای آن تعیین کرد. نهادهای مختلف (که این بررسی در ارتباط با این نهادها است) ریشه در گذشته داشت. وقایع گذشته و تعبیر و تفسیر این وقایع به وسیله نسلهای بعد، و نیز نیازهای زمانه به این نهادها شکل داده‌اند. از این رو تداوم و تحول، کاملاً در هم تنیده‌اند.

در بررسی و مطالعه تاریخ ایران، دوره‌بندیهای خاص کار را آسان می‌کند؛ گو اینکه این کار لزوماً با ادوار تحول تطابقی ندارد. فتوحات اسلامی و سقوط سلسله ساسانی (یزدگرد سوم، آخرین امپراتور ساسانی در سال ۲/۳۱ - ۶۵۱ به قتل رسید) صرف نظر از نوعی تداوم بنیادی، آغازگر نظام نوینی است. در اینجا مهمترین و روشترین خط تمایز بین تاریخ قبل و مابعد اسلام، پذیرش دین جدید اسلام از سوی ایرانیان بود. البته این بدان معنی نیست که گسترش اسلام در سرتاسر ایران بی‌وقفه صورت گرفت. گرایش به اسلام تدریجی بود و در مناطق مختلف مملکت وضع متفاوتی داشت. از این زمان به بعد اسلام اساس تمدن جدیدی شد که رو به توسعه نهاد و شکوفا گردید. اما پذیرش دین جدید

اسلام ساختارهای اجتماعی را کلاً دگرگون نساخت. بسیاری از این ساختارهای اجتماعی در سرزمینهای مفتوحه اخذ شد؛ قالبهای نو یافت و با وضع جدید تطبیق داده شد. معارف ایرانی که اعراب از سالیان قبل از طریق لخمی‌ها با آن آشنا بودند، در بافت تمدن اسلامی جذب شد.^۱ لیکن این تمدن جدید با اینکه متکی به بعضی از ارزشهای سنتی ایران بوده، اما تأیید و تکرار امپراتوری ساسانی در یک قالب جدید و یا تمدن ایرانی در قالب یک دین جدید نبود بلکه تمدن خاص اسلامی بود. با این همه ارزشهای سنتی ایران با وضوح و وقوع تمام مورد تأکید قرار گرفت. این ارزشها در سده‌های نخستین اسلامی، از حیث فرهنگی، در نهضت ادبی شعوبیه باز تأیید^۲ و از نظر سیاسی در دوگانگی بین عرب و عجم (غیرعرب) متبلور گشت و از لحاظ مذهبی در سده‌های بعد، در اعزاز و اکرام و دوستداری خاندان علی متجلی شد.

با تجزیه خلافت عباسی، دوره سلسله‌های کوچک محلی شروع شد، محلی از آن نظر که هیچ‌یک نتوانستند بر سرتاسر سرزمین ایران حکومت کنند: علویان طبرستان (۹۲۸ - ۸۶۴ / ۳۱۶ - ۲۵۰)، آل‌زیار در گرگان (۱۰۴۲ - ۹۲۸ / ۴۳۴ - ۳۱۶) آل‌بویه در جنوب ایران و در عراق (۱۰۵۵ - ۹۳۲ / ۴۴۷ - ۳۲۰)، طاهریان (۷۲ - ۸۲۰ / ۵۹ - ۲۰۵)، صفاریان (۹۰۳ - ۸۶۸ / ۹۰ - ۲۵۴)، سامانیان (۹۹۹ - ۸۷۴ / ۳۸۹ - ۲۶۱) و غزنویان (۱۰۴۰ - ۹۶۲ / ۴۳۱ - ۳۵۱) در شرق ایران. از میان این سلسله‌ها، آنهایی که بر بخشی از امپراتوری سابق ساسانی مسلط شدند، به‌طور طبیعی به گذشته قبل از اسلام ایران نظر داشتند و پیروزیهای این سلسله‌های محلی را بعضی از محققین تدارکی برای بازسازی گذشته باشکوه امپراتوری ایران دانسته‌اند.^۳ این امر مخصوصاً در مورد آل‌بویه صادق بود - آل‌بویه ریشه در ایالات خزری داشتند و پیشرفت اسلام در این نواحی بطئی بود و نهضت‌های مخالفین، اغلب،

۱. ک. ا. بازورث، «میراث حاکمیت ایران در صدراسلام و پی‌جویی میثاق‌های حکومتی با گذشته» در مجله *Iran*، جلد ۱۱، ۱۹۷۳ م. صص ۶ - ۵۵.

۲. ه. آ. ر. گیب، «اهمیت اجتماعی شعوبیه» در *Studia Orientalia Ioanni Pedersen dicata*، چاپ س. ج. شاووو. ر. پولک، لندن، ۱۹۶۲ م. صص ۷۳ - ۶۲؛ ا. گلاتسپهر، *Muslim Studies*، چاپ س. م. استرن و ترجمه به انگلیسی از ک. ر. باربر و س. م. استرن، لندن، ۱۹۶۷ م. جلد ۱، صص ۱۰۰ - ۹۹؛ ر. متحده، «جدال شعوبیه و تاریخ اجتماعی ایران در صدراسلام» در مجله *IJMES*، جلد ۷، ۱۹۷۶ م. صص ۸۲ - ۱۶۱.

۳. بازورث، همان منبع، ص ۶۰.

ارتباط نزدیکی با تشیع داشت.^۱ لیکن رشته‌های سنت تسنن اسلامی در شرق ایران قوی و محکم بود و به‌رغم پیشرفت زبان فارسی در مقام یک زبان ادبی در قلمرو غزنویان، توسل و تمسک به گذشته قبل از اسلام، دست‌کم در حوزه سیاست، ضعیفتر از قلمرو آل‌بویه بود.

سابقاً در سالهای نخستین سده سوم / نهم، با ظهور طبقه نظامی ترک‌نژاد که از ایام خلافت معتصم (۴۲ - ۸۳۳ / ۲۷ - ۲۱۸) به‌بعد حکم محافظ نظامی خلفا را داشتند و از روزگار خلافت منتصر (۲ - ۸۶۱ / ۴۸ - ۲۴۷) بر خلفا مسلط شدند، عامل دیگری در کنار دوگانگی عرب و عجم وارد جامعه اسلامی گردید. حکام خراسان و شرق به‌عنوان بخشی از مالیات و هدایای خود، غلامان ترک‌نژاد را به‌طور منظم راهی بغداد می‌کردند. سامانیان در مقابل نفوذ ترکان استپها و به‌موازات سیحون (سیردریا) ثغری ایجاد نمودند و تجارت برده در روزگار حاکمیت آنها به‌اوج خود رسید و تشکیلاتی به‌هم زد. بازارهای منظم برده‌فروشی در شاش، اسفنجاب و شهرهای دیگر آن‌سوی ثغر راه افتاد و اسیران تهاجمات استپها و یا جنگ‌های قبیله‌ای به‌وسیله ربابندگان‌شان راهی این بازارها می‌شدند. استپ دهستان و سرزمینهای خزری در شمال قفقاز از منابع دیگر تهیه و تدارک غلام و برده بودند.

اکثر این بردگان ترک‌نژاد را سرباز بار می‌آوردند ولی تعدادی را نیز در امور بیوت به‌کار می‌گرفتند.^۲ نه تنها دستگاه خلافت، بلکه سلسله‌های محلی هم قشونی از این غلامان ترک‌نژاد داشتند و یا از آنها به‌عنوان خدمه در قشون خود استفاده می‌کردند؛ حتی خود غزنویان از رگ‌وریشه همین غلامان بودند. سبکتگین (متوفی ۹۹۷/۳۸۷) پدر محمود غزنوی، در جنگ‌های قبیله‌ای اسیر شد و در بازار برده‌فروشی شاش به‌فروش رفت. در روزگار آل‌بویه در عراق و جنوب‌غربی ایران و در شرق در ایام سامانیان و خاصه در دوره غزنویان از این بردگان و غلامان ترک‌نژاد نه تنها در فنون رزمی بهره می‌گرفتند، بلکه در امور دیوانی هم از آنها استفاده می‌کردند. دولت در ایام محمود

۱. ه. بوسه، *Chalif und Grosskoing. Die Buyidenin Irag (945-1055)*، بیروت، ۱۹۶۹ م.؛ همان نویسنده، «احیای شاهنشاهی ایران در زمان آل‌بویه» در کتاب د. س. ریچاردز با عنوان *Islamic Civilization 950-1150*، ناشر برونوکاسیرر، آکسفورد، ۱۹۷۳ م. صص ۶۹ - ۴۷.

۲. بازورث، «تهاجمات بربرها: ورود ترکان به جهان اسلام» در کتاب *Islamic Civilization, 950-1150*، صص ۱۶ - ۱.